

## بررسی حداقل و حداکثر سن بلوغ از نظر علم پزشکی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۵

### خلاصه

**مقدمه:** پدیده بلوغ نقش مهمی در زندگی انسان ایفا می کند، زیرا مبدأ شروع تکالیف عبادی و تعهدات می باشد یکی از مهمترین مراحل رشد طبیعی انسان بلوغ است که خداوند متعال مقارن با آن برای انسانها تکالیفی را معین فرموده است و نظر به اهمیت آن، نشانه های طبیعی و شرعی برای بلوغ بیان شده است. علائم و نشانه های بلوغ در دختران و پسران متفاوت است. البته برخی از آن نشانه ها میان دختران و پسران مشترک است ولی عادت ماهیانه و حمل از نشانه های اختصاصی بلوغ دختران محسوب می شود. بلوغ یک مرحله فیزیولوژیک است که فرد جهشی در رشد قد پیدا می کند و بعد از کامل شدن بلوغ سرعت این جهش کم می شود بحران ها و هیجانات دوران بلوغ ناشی از اورگانسیم جسمی و درونی است که همراه با عواملی چون ذوق، علائق، نگرش، احساس و همچنین ارتباط با همسالان موجب بروز مشکلات جدید می شود که والدین و مربیان به دلیل عدم شناخت کافی از نوجوان به آن بحران یا عدم سازگاری می گویند. تعارض های ناشی از اختلاف سلیقه ها و تفاوت برداشت ها بین نوجوان و دیگران موجب ایجاد خشم و عصبانیت نوجوان بی تجربه می شود حتی گاهی اوقات بعضی از نوجوانان واکنش منفی نشان می دهند و با توقعی زیاد و افسردگی خاطر شکایت دارند که بزرگترها آنها را درک نمی کنند و با آنها رفتار منصفانه ای ندارند این دسته از نوجوانان بسیار حساس و زود رنج هستند و به همین خاطر هنگام خشم و ترس و مسائلی از این قبیل تسلط خود را از دست می دهند و به اصطلاح خود را می بازند.

**کلمات کلیدی:** بلوغ، احتلام، انابت، سن، رشد

مهرعلی رخشانی فر<sup>۱</sup>

غلامحسین دلاور<sup>۲\*</sup>

امیرحمزه سالارزایی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان، زاهدان، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

<sup>۳</sup> استاد تمام (پرفسور) فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه دولتی سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

Email: drdelavar@yahoo.com

## مقدمه

هر چه زمان بلوغ دیرتر اتفاق بیافتد، غضروف رشد، دیرتر بسته می شود، در بدن ما انسان ها و در استخوان های بلند، ناحیه ای غضروفی وجود دارد که به مرور تبدیل به استخوان می شوند .

در زمان بلوغ، به علت بالا رفتن مقدار هورمونهای جنسی؛ بخصوص هورمون استرادیول (حتی در مردها هورمون تستوسترون در محیط تبدیل به استرادیول میشود) غضروف رشد بسته می شود، یعنی اینکه بلوغ یک مرحله فیزیولوژیک است که فرد جهشی در رشد قد پیدا می کند و بعد از کامل شدن بلوغ، سرعت این جهش کم می شود. معمولاً در دخترها، دو سال بعد از اولین عادت ماهیانه و در پسرها، 2 تا 3 سال بعد از اولین انزال، غضروف رشد بسته می شود و رشد قدی متوقف می شود.

بلوغ زودرس دو نوع محیطی و مرکزی دارد: نوع محیطی آن خطرناک است، معمولاً در انواع بلوغ زودرس محیطی، یک بیماری خطرناک وجود دارد. قد نهایی براساس میانگین قد پدر و مادر در نظر گرفته می شود و برای پسرها 6/5 سانتی متر به عدد میانگین به دست آمده اضافه و برای دخترها 6/5 سانتی متر از عدد میانگین به دست آمده، کم می کنند. سپس برای تعیین قد نهایی، عدد به دست آمده را برای پسرها، در محدوده منفی ۷ تا مثبت ۷ و برای دخترها در محدوده منفی 5 تا مثبت 5 تعیین می کنند. این محدوده اطمینان، به علت ژنتیک در نظر گرفته شده است که تغذیه، محیط زندگی و زمان بلوغ در آن تاثیرگذار است. همیشه در تعریف عوامل موثر بر رشد قدی و بلوغ، فاکتورهای ژنتیکی و محیطی مورد توجه است، ژنتیک قابل دستکاری نیست، اما با تغییر در عوامل محیطی می توان قد فرد را تغییر داد. حتی از زمانی که جنین در رحم مادر است و بیماریهایی که مادر می گیرد، نرسیدن اکسیژن کافی در زمان تولد، مکمل های دوران نوزادی و شیرخوارگی، بیماری هایی که فرد در دوران رشد به آنها دچار می شود و عوامل دیگر در قد نهایی شخص تعیین کننده است. اینطور نیست که فقط ورزش هایی مانند والیبال و بسکتبال بر رشد قد شخص موثر باشند، ورزش های هوازی در هنگام بلوغ، روی غضروف رشد فرد تاثیر می گذارند و می تواند موثر باشد، ورزش هایی مانند وزنه

برداری و کشتی که همراه با وزنه زدن و فشار روی غضروف رشد است، مقداری جلوی رشد قدی فرد را می گیرد. یک مساله مهم، توجه به سرعت رشد در پرونده رشد کودک است که در زمان تولد و در بیمارستان به خانواده کودک داده می شود. سرعت رشد در قد نهایی خیلی مهم است و باید در منحنی رشد مورد بررسی قرار گیرد تا از منحنی افت نکند چرا که در صورت افت از منحنی، ممکن است کودک به بیماری هایی مانند کم کاری تیروئید مبتلا باشد. بعد از بلوغ کامل، رشد قدی متوقف نمی شود، بلکه سرعت آن کم می شود و تا 2 سال شاهد رشد قدی هستیم که این در دخترها معمولاً 6 تا 8 سانتی متر است، اگر قد پدری 160 سانتی متر و قد مادر 154 سانتی متر باشد، قد فرزند آن ها هیچ گاه 195 سانتی متر نخواهد شد، مگر اینکه فرد دچار بیماری هایی مانند هیپوگوناد شده باشد [دکتر سعید کرباسی - فوق تخصص بیماری های غدد و متابولیسم - عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی]

## بلوغ و انواع آن از نظر پزشکی

در مسیر زندگی، زمانی فرا می رسد که فرد بین کودکی و بزرگسالی قرار می گیرد. به این دوره از زندگی، نوجوانی گفته می شود؛ دوره ای که فرد دستخوش تحوّل اساسی شده و این تحول او را برای زندگی آینده آماده می سازد. در این مرحله از زندگی، نوجوان با تغییرات عمده ای در جسم و روح و روان خویش مواجه می شود. او سردرگم است از آنچه هست و آنچه باید باشد. نه از مزایای کودکی بهره مند است و نه از امتیازات بزرگسالی. گرچه این دوره، فرصت مناسبی را برای کسب مهارت ها و آماده شدن برای آینده در اختیار فرد می گذارد، اما در عین حال معمولاً دوره ای است آکنده از تعارض و نوسان بین وابستگی و استقلال. در شرایطی که فرد در خانه والدین زندگی می کند و از حمایت مالی آنان برخوردار است، به دشواری می تواند به طور کامل احساس خودبستگی کند [۱].

آغاز نوجوانی معمولاً از سن ۱۲ سالگی است و تا آخرین سال های دهه دوم زندگی که رشد جسمانی کم و بیش کامل می شود، ادامه می یابد. واژه بلوغ به اولین مرحله نوجوانی گفته

می‌شود، به‌طور دقیق‌تر زمانی که هورمون‌ها زیاد شده و تظاهرات آنها آغاز می‌شود. با ازدیاد هورمون‌ها، تظاهر آن در دختران به شکل بزرگ شدن تخمدان‌ها و سینه‌ها و در پسرها با بزرگ شدن بیضه‌ها و درآوردن ریش و غیره بروز می‌کند. اوج رشد در پسرها حدوداً سیزده سالگی و در دختران یازده سالگی می‌باشد، ولی در بعضی جوامع، در دختران از سن نه سالگی آثار بلوغ دیده می‌شود. با این وجود عده‌ای هم سن بلوغ را پایین‌تر از این می‌دانند. می‌توان گفت عواملی چون جنسیت، وراثت، منطقه جغرافیایی، ساختمان بدن، تغذیه و سلامت و غیره در شروع بلوغ مؤثرند [۱].

### بلوغ جنسی

در آغاز نوجوانی، اغلب افراد به دوره سریعی از رشد جسمانی گام می‌گذارند که با رشد تدریجی اندام‌های تناسلی و ویژگی‌های جنسی ثانوی، همراه است. این تغییرات طی یک دوره تقریباً دو ساله رخ می‌دهند و با بلوغ جنسی به اوج می‌رسند [۳].

### بلوغ جنسی در دختران

نشانه‌های مهم بلوغ در دختران افزایش طول قد، بزرگ شدن سینه و لگن خاصره، پیدایش موهای زهاری و سرانجام عادت ماهانه است. عادت ماهانه، پایان رشد سریع بدنی را اعلام می‌دارد. در واقع نخستین عادت همراه با تخمک‌گذاری نیست و مدتی طول می‌کشد تا بر اثر فعالیت تخمدان‌ها در دختران، هورمون استروژن افزایش یابد و میزان آن تا سه سال به‌تدریج رو به فزونی می‌رود، آنگاه ثابت می‌ماند. در این هنگام دختر نوجوان قادر به تولید مثل می‌شود. دامنه سنی رسیدن به سن بلوغ جنسی بسیار گسترده است. برخی از دختران در سن پایین‌تری، حتی در ۱۱ سالگی و برخی در سنین بالاتری، حتی در ۱۷ سالگی برای اولین بار قاعده می‌شوند. متوسط سن آغاز قاعدگی در دختران ۱۲ سال و نه ماهگی است [۴].

### بلوغ جنسی در پسران

با اینکه رشد سلول بیضه‌ای و شروع ترشح هورمون مردانه زودتر آغاز می‌شود، اولین علامت بیرونی بلوغ در پسران معمولاً رشد بیضه‌ها و کیسه بیضه است که تقریباً در دوازده‌و نیم سالگی

### بلوغ زودرس و بلوغ دیررس

گرچه دخترها به‌طور متوسط زودتر از پسرها بالغ می‌شوند، اما در این زمینه به تفاوت‌های فردی زیادی برمی‌خوریم. بعضی از دخترها دیرتر از بعضی پسرها به بلوغ می‌رسند. از آنجا که نیرو و توانایی بدنی نقش مهمی در کنش متقابل کودک با همسالانش دارد، پسرهای دیررس از لحاظ سازگاری با دشواری‌های خاصی روبرو می‌شوند. این پسرها در دوره‌ای از زندگی که نسبت به همکلاسی‌های خود کوتاه‌تر و کم‌بنیه‌تر هستند، تمرین کافی در مهارت‌های ورزشی نمی‌بینند و بنابراین ممکن است هرگز از این نظر نتوانند با پسران زودرسی که معمولاً در فعالیت‌های ورزشی پیشگامند، رقابت کنند.

پژوهش‌ها حاکی از آن است که پسرهای دیررس در میان همکلاسی‌های خود از محبوبیت کمتری برخوردارند، خودپنداره ضعیفی دارند و به رفتارهای توجه‌طلبانه ناپخته‌ای دست می‌زنند. این پسرها احساس می‌کنند که همسالانشان آنها را طرد می‌کنند و آنها را زیر سلطه خود می‌گیرند. از سوی دیگر، پسرهای زودرس از اتکاء به نفس و استقلال بیشتری برخوردارند. برخی از تفاوت‌های شخصیتی بین پسران زودرس و دیررس در دوره بزرگسالی نیز، پس از ناپدید شدن تفاوت‌های بدنی، همچنان پابرجا می‌مانند. در مورد دختران، تأثیر سرعت رشد بر شخصیت چندان چشمگیر نیست. از آنجا که دختران زودرس در سال‌های آخر دبستان، رشد بیشتری نسبت به همکلاسی‌های خود دارند، ممکن است با مشکلاتی

از نوجوان، به آن بحران یا عدم سازگاری می‌گویند. در حالی که بحران با هیجان تفاوت زیادی دارد؛ هیجان ناشی از واکنش خوب و مثبت است نه عدم سازگاری. تعارض‌های ناشی از اختلاف سلیقه‌ها و تفاوت برداشت‌ها بین نوجوان و دیگران، موجب بروز خشم و عصیانگری نوجوان بی‌تجربه می‌شود [۹]. حتی بعضی از نوجوانانی که به والدینشان علاقه دارند غالباً با سوءظن، بی‌اعتمادی، خشم و برافروختگی واکنش نشان می‌دهند و با توقع زیاد و افسردگی خاطر شکایت دارند که بزرگترها آنها را درک نمی‌کنند و با آنان رفتار منصفانه‌ای ندارند. این دسته از نوجوانان بسیار حساس و زودرنج‌اند. به همین دلیل هنگام خشم و ترس و عشق و دلدادگی تسلط خود را از دست می‌دهند و به اصطلاح خود را می‌بازند. در خانواده‌هایی که آماده‌تر و گرم‌تر هستند، اثری از خشونت و بحران نیست [۱۰].

### بلوغ ذهنی

در این مرحله، رشد مغز و دستگاه عصبی به میزان رشد بزرگسالان نزدیک می‌شود. اما نوجوانان به سبب کمبود تجربه‌های لازم هنوز نمی‌توانند به حل مسایل بزرگسالان توفیق یابند و همانند آنان پاسخ دهند. پیازه می‌گوید در مرحله عملیات صوری که معمولاً در سن ۱۱ سالگی آغاز می‌شود، برخی از توانایی‌های مهم در تفکر نوجوانان پدیدار می‌شود که در سنین قبل وجود نداشت. اساسی‌ترین این توانایی‌ها تأکید بر تفکر مبتنی بر احتمالات است، یعنی تغییر در تفکر از "آنچه هست" به "آنچه ممکن است باشد". تغییر جهت تفکر در شیوه برخورد نوجوان با مسائلی که پیش‌رویش قرار می‌گیرد، انعکاس می‌یابد. نوجوان قادر به بررسی یک مسأله از طریق تصور تمام روابط ممکن در میان یک مجموعه از اطلاعات است. پیازه می‌گوید، آگاهی نوجوانان از احتمالات است که آنان را قادر می‌سازد ذهنیات خود را از واقعیت تشخیص دهند. به تدریج که سن نوجوان بالا می‌رود، او خود را نظاره‌گر شکل‌گیری و ایجاد افکار خویش می‌بیند. شکل‌گیری هویت او نیز، همراه با تغییر و اصلاح در اندیشه‌هایش، سرعت بیشتری می‌گیرد و درباره کلی‌ترین مفاهیم مانند خدا و جهان هستی نیز قضاوت‌های

روبرو شوند. اما این دختران در دوره راهنمایی معمولاً میان همکلاسی‌های خود از اعتبار بیشتری برخوردار می‌شوند و در فعالیت‌های مدرسه نقش رهبری را به عهده می‌گیرند. در این مرحله، دختران دیررس نیز مانند پسران دیررس ممکن است خودپنداره نابسندگی داشته باشند و روابط آنها با والدین و همسالان رضایت‌بخش نباشد [۶].

### رشد اجتماعی

در ابتدای نوجوانی، دسته‌ها یا گروه‌های همسالان اهمیت زیادی پیدا می‌کنند. نوجوان می‌کوشد گروه همسالان، او را بپذیرد و خود نقش‌هایی را در گروه می‌پذیرد. گرچه به نظر مساعد و تأیید بزرگسالان نیاز فراوان دارد، اما بیشتر وقت خود را با دوستان و همسالان می‌گذراند و اندیشه‌ها و قوانین آنها را به معیارهای والدین و بزرگسالان دیگر ترجیح می‌دهد [۷]. چگونگی تعامل گروه دوستان و همسالان با نوجوان نقش بزرگی در زندگی او دارد. در این گروه‌هاست که فرد ایفای نقش‌های اجتماعی را که والدین و سایر بزرگسالان نمی‌توانستند شرایط عملی یادگیری آن را فراهم کنند، می‌آموزد. او یاد می‌گیرد که چگونه خود را با شخصیت‌های مختلف اطراف خویش سازگار کند و راه و رسم دفاع از خود و مبارزه برای کسب و حفظ حقوق خویش در اجتماع را فرامی‌گیرد. روابط دوستانه باعث ایجاد انتظار حمایت، تشویق و ترغیب و بازخورد گرفتن از دیگران می‌شود و این امر به نوبه خود احساس کامل بودن و جذاب بودن و ارزشمند بودن را در فرد ایجاد می‌کند. این دوستی‌ها باعث می‌شود که فرد اطلاعات و انگیزش‌های جالبی از دیگران به دست آورد، به هیجان‌ات خود پاسخ دهد و سرگرمی مناسبی برای خود داشته باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روابط مثبت نوجوانان با دوستان و همسالان باعث سازگاری اجتماعی مثبت می‌شود [۸].

### بلوغ هیجانی

بحران‌ها و هیجان‌ات دوران بلوغ ناشی از ارگانسیم جسمی و درونی است که همراه با عواملی چون ذوق، علائق، نگرش، احساس و همچنین ارتباط با همسالان، موجب بروز مشکلات جدیدی می‌شود که والدین و مربیان به دلیل عدم شناخت کافی

و بسیاری از حقوق و احکام شرعی نسبت به هر فرد مسلمان شمرده می شود، و از این رو سن بلوغ را سن تکلیف نیز مینامند. [لسان العرب، ج 6، ص 41318]

### واژه شناسی:

**بلغ:** به معنای وصول و رسیدن به مقصدی است و مقصد ممکن است مکان، زمان و یا امر معینی باشد. [راغب اصفهانی، بی تا، 58]

**بلغ:** فعل لازم و به معنای «محتلم شدن و به سن تکلیف رسیدن» است می گویند: بلغت النخلة او غيرها من الاشجار، یعنی میوه آن درخت رسیده و قابل استفاده شد. [المنجد، 48]

**رشد:** در لغت در مقابل «غی» است، غی به انحراف در دین و اخلاق گفته می شود و رشد به معنای هدایت در این زمینه هاست. اما در اصطلاح، رشد به معنای صلاح است. نوعی کیفیت نفسانی که به کمک آن می توان نفع و ضرر را تشخیص داد. به کسی که از رشد بهره کافی برده باشد «راشد» یا «رشد» گفته می شود و فاقد این وصف اگر به حد جنون نرسد و صغیر هم نباشد «سفییه» خوانده می شود. [جعفری لنگرودی، بی تا، 334]

### در مکاتب فقهی اهل سنت دو تعبیر وجود دارد که درباره بلوغ اظهار نظر می کنند:

1. پایان یافتن حد خردسالی را بلوغ گویند. [ردالمختار، ج 6، ص 153]
  2. بلوغ به حالتی از انسان گفته می شود که چنانچه نزدیکی کند، منی از او بیرون بیاید. [النهایه فی شرح الهدایه، ج 5، ص 253]
- در مذهب شافعی و حنبلی سن بلوغ در دختر و پسر اتمام پانزده سال و در مذهب مالکی در فقه اهل سنت اتمام هفده یا هجده سالگی است، هر چند از مالک و فقهای دیگر نقل شده که اصولاً سن را نشانه بلوغ نمی دانسته اند. [شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 220] ابوحنیفه سن بلوغ را در دختران هفده و در پسران هفده یا هجده میدانند [زحیلی، ج 1، ص 565]، ولی سایر حنفیان سن بلوغ را در دختر و پسر اتمام پانزده سال می دانند. فقهای اهل سنت معتقدند بلوغ دختران بوسیله حیض، احتلام و حامله شدن می باشد و اگر این نشانه ها بدست نیامد دختر در سن هفده سالگی بالغ می شود.

تازه ای به دست می آورد. علاوه بر آنچه پیاز به مورد خصوصیات و تغییرات تفکر در دوره نوجوانی مطرح کرده است، توانایی های فراشناختی نیز در این دوره در ذهن نوجوان رشد می کند. آگاهی از تمایز بین دریافت ساده یک چیز و نگهداری آن در حافظه، آگاهی یافتن از ظرفیت ها و محدودیت های حافظه خود و استفاده کردن از فنون پیچیده تر برای کمک به یاد آوردن مطالب از جمله دانش و آگاهی های جدید نوجوان درباره فعالیت های شناختی است که کارایی ذهن او را بالا خواهد برد. همچنین، توانایی های ذهنی نوجوان به حدی می رسد که استفاده از راهبردهای کارآمدتر در حل مسأله و برخورد با تکالیف گوناگون را برایش امکان پذیر می سازد [۱۱].

### مفهوم بلوغ

بلوغ به معنی وصول و به چیزی رسیدن است. **بلغ فلان یبلغ بلوغاً و بلاغاً اذا وصل الیه و الابلاغ: الایصال** {آل کاشف الغضاء، المكتبه المرتضویه}. رسیدن به مراد، رسیدن یا نزدیک شدن به پایان مقصد (مکان، زمان یا امری دیگر)، کامل شدن و پختن میوه و رسیدن کودک به سن رشد دانسته اند. ابن منظور میگوید: «وَبَلَّغْتُ الْمَكَانَ بُلُوغًا: وَصَلْتُ إِلَيْهِ وَكَذَلِكَ إِذَا شَارَفَتْ عَلَيْهِ وَمِنْهُ وَهُوَ تَعَالَى: "فِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ" [مواهب الجلیل، ج 5، ص 59] أَى قَارَبَتْهُ [لسان العرب، ج 1، ص 346] [راغب اصفهانی در مورد بلوغ چنین می گوید: «بلوغ و بلاغ به معنای رسیدن به پایان مقصد است، اعم از آنکه مکان باشد یا زمان یا امری معین و بلغ به معنای تبلیغ است "هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ"». [مفردات الفاظ القرآن، ص 141] بلوغ آغاز مرحله ای طبیعی در زندگی فرد شمرده شده است که در آن، با پیدایی و شکوفایی غریزه جنسی و پدید آمدن برخی دگرگونی های جسمی و روانی و رشد عقلی و ادراکی، به مرتبه مردان و زنان نایل میشود. [معجم مقاییس اللغه، ج 1، ص 301] بلوغ را در فقه به معنای رسیدن به سن یا مرحله های دانسته اند که احکام دینی، واجبات و حرامها شامل حال انسان میشود. [محقق حلی، ج 4، ص 59، 831، 641، 361، 302] اهمیت بلوغ در فقه و حقوق اسلامی بدان جهت است که نقطه آغاز شمول تکالیف

## دیدگاه فقهای شیعه نسبت به بلوغ

کاشف الغطاء میگوید: «البلوغ وهو الوصول الى قابلية ان يطامع وجود محل الوطى وقابلية ان يوطأ وطاً قابلاً لان تنبعث عند الشهوة ويترتب عليه مع وجود محل الوطى وقابلية الغسل... هو اول مراتب صدق الفحولة والرجولة في الذكر و اول مراتب صدق المرثة في الانثى» بلوغ رسیدن به قابلیت و استعداد نزدیکی کردن یا نزدیکی شدن است قابلیت که شهوت از آن برانگیخته شده و با وجود نزدیکی و قابلیت، غسل بر آن مترتب شود... و این اولین مراتب صدق مردانگی در جنس مذکر و اولین مراتب صدق زن بودن در جنس مؤنث به شمار میآید. [کشف الغطاء ج 1، ص 251].

محمدحسن نجفی: «والمراد بالاول (البلوغ) الذي هو في اللغة الادراك، بلوغ الحكم والوصول الى حد النكاح بسبب تكون المنى في البدن وتحرك الشهوة والنزوع الى الجماع وانزال الماء الدافق الذي هو مبداء خلق الانسان بمقتضى الحكمة الربانية فيه وفي غيره من يبقی به النسل ويقوى معه العقل وهو حال انتقال الاطفال الى حد الكمال والبلوغ مبالغ النساء والرجال... منظور از بلوغ در لغت ادراک و رسیدن است. بلوغ حلم و رسیدن به حد نکاح به سبب پیدایش منی در بدن و تحریک قوه شهوت و تمایل به زیبایی و ریختن آب جهنده ای است که ریشه و پایه آفرینش آدمی به مقتضای حکمت ربانی در انسان و سایر حیوانات برای بقاء نوع است پس بلوغ کمال طبیعی انسان که به واسطه آن نسل باقی مانده و عقل با آن تقویت شده و آن حالتی است که خردسالان به حد کمال رسیده و در زمره مردان و زنان داخل می شوند. [جواهر الکلام، ج 26، ص 4]

## سن رسیدن به بلوغ از دیدگاه فقهای شیعه و سنی

در فقه اسلامی ابتدای دوره بلوغ پایان دوره کودکی است؛ یعنی بلوغ مرز بین کودکی و نوجوانی را مشخص می کند. به تعبیری سن کودکی از ولادت تا بلوغ است و منظور از کودک کسی است که به حد بلوغ نرسیده باشد صیغر کسی است که به حد بلوغ نرسیده است کسی که به حد بلوغ رسیده، دیگر صغیر نیست «صیغر کسی

مالک بن انس سنی برای بلوغ ذکر نمی کند [زحیلی، ج 4، ص 18، 22]. شافعی و احمد بن حنبل نیز پنج نشانه برای بلوغ دختران ذکر کرده اند؛ احتلام، رویدن موی خشن بر عورت، حیض، بارداری و اگر هیچ یک از این نشانه ها نبود، دختران با اتمام پانزده سال قمری بالغ می شوند [منهاجی آسیوطی، جواهر العقود، 1996م، ج 1، ص 133] برخی منابع اهل سنت برای دوره بلوغ فاصله سنی خاصی مطرح کرده اند، بدین ترتیب که سنین یاد شده را انتهای دوره بلوغ، و دوازده سالگی را در پسران و نه سالگی را در دختران ابتدای آن دانسته و کودک را در این فاصله سنی «مُرْهُق» نامیده اند. [که آثاری در پی دارد زحیلی، ج 5، ص 423؛ زرقاء، ص 97]

اغلب فقهای اهل سنت سن بلوغ دختر و پسر را نزدیک به هم و از 11 تا 19 سالگی دانسته اند.

بلوغ، کامل شدن 15 سال برای پسر و دختر [شافعی در این رابطه می گوید است، مگر اینکه پسر قبل از 15 سالگی محتمل و دختر حیض شود؛ در این صورت حیض و احتلام، بلوغ محسوب می گردد] [انیل الاوطار، ج 5، ص 250]. پس با توجه به آیات قرآن، روایات وارد شده و اقوال فقهای شیعه و سنی به نظر میرسد نزدیک ترین قول به صواب آن است که شارع را با عقلا در تلقی از بلوغ متحد المسلک فرض کنیم و بگویم رویه شارع نیز آن است که بلوغ را همان بلوغ تکوینی بداند؛ چه اگر برخلاف آن بود، باید دلیل محکمی بر آن ارائه میشد واز آنجا که دلیل قانع کننده ای بر وجود مغایرت بین بلوغ تکوینی و تشریحی وجود ندارد و قرآن کریم نیز صراحتاً بلوغ را امر تکوینی دانسته است، و نیز همان طور که ذکر شد بسیاری از فقها در تعریف بلوغ به بلوغ جنسی تصریح نموده اند، نتیجه می گیریم نظر آن دسته از فقهایی که سن بلوغ تشریحی را منطبق بر بلوغ تکوینی میدانند، از متانت و استحکام بیشتری برخوردار است؛ چرا که در تعارض بین مستندات اقوال فقهای قائل به بلوغ دختر در نه سالگی و قائلان به بلوغ سن بلوغ جنسی، آن دسته از مستندات تفوق دارند که با کلام قرآن مجید در تعارض نیستند، بلکه با آن همسو و هم جهت هستند؛ نهایتاً اینکه به نظر می رسد، سن بلوغ دختر، همان سن بلوغ جنسی او می باشد.

می‌باشد. بلوغ موجب می‌شود که شخص به‌گونه‌ای متفاوت، احساس نماید و نگاهش نسبت به جهان تغییر می‌کند، برخورد او

نسبت به دیگران و خودش عوض می‌شود» [۱۲]

«مشهورترین اثر بلوغ جنسی در پسران این است که بر خلاف دختران، صدایشان درشت و دو رگه و باسن و کفشان کوچک می‌شود. اما قاعده گردن، تا حدودی کلفت و سینه و شانه‌هایشان پهن می‌شود و دو سال پس از بلوغ ریش و سیل درمی‌آورند. بالا رفتن فشار خون و افزایش ضربان قلب و نبض نیز از آثار بلوغ جنسی در پسران و دختران است. هنجار بلوغ جنسی در پسران میان یازده تا هجده سالگی است یعنی دو سال دیرتر از دختران آغاز می‌شود» [۱۳]

موریس دبس در مورد خصائص جسمی و روحی دوران بلوغ می‌گوید: «خصائص بدنی و روانی در این دوره (بلوغ): می‌دانیم که رشد طبیعی بدن، به صورت سه رشته پدیده‌هایی جلوه می‌کند بر اثر عمل غدد بسته داخلی حاصل می‌شود. از جمله می‌توان از آخرین رشد قد و وزن نام برد که در دختران زودتر از پسران صورت می‌گیرد. دیگر، ظهور صفات جنسی فرعی یا ثانوی است که خود نشانه پدیده عمده‌ای است. سوم، رشد دستگاه تناسلی است که عادت ماهانه در دختران و نخستین احتلام در پسران از آثار آن به شمار می‌رود» [۱۴]

بنابراین از دیدگاه روان‌شناختی در هنگام بلوغ، تغییرات عمده جسمی و روحی در دختران و پسران رخ می‌دهد و این تغییرات در دختران زودتر از پسران اتفاق می‌افتد. رشد بیضه و آلت جنسی، رشد موهای خشن در بدن، کلفت شدن صدا از جمله این نشانه‌ها به شمار می‌رود، این حالت جسمی و روحی پایه و مبدأ حقوق و تکالیف شرعی به حساب می‌آید.

### نشانه های بلوغ:

فقهای شیعه و سنی پنج نشانه اصلی «احتلام، انبات، سن خاص، حیض، حمل» را برای بلوغ ذکر کرده اند و از میان آنها سه نشانه «احتلام، انبات و سن خاص» را میان دختر و پسر مشترک دانسته اند.

**احتلام:** با توجه به تعبیر آیات و احادیث تمامی فقها احتلام (یا نزال) را، چه در خواب چه در بیداری، نشانه (اماره) بلوغ

است که به حد بلوغ نرسیده است» [الموسوی الخمینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲] لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که دوران کودکی با فرارسیدن بلوغ پایان می‌پذیرد با وجود ادله فراوان مبنی بر بلوغ دختران به حیض و پسران به احتلام، اکثر قریب به اتفاق مراجع معاصر نیز هم چون فقهای سابق، جانب احتیاط را برگزیده و سن بلوغ را ۹ سال در دختران و ۱۵ سال در پسران دانسته اند. این سن در خصوص پسران مسأله به وجود نمی‌آورد لیکن در مورد دختران، قول به ۹ سالگی به عنوان سن بلوغ سرمنشأ سوالات و شبهات بسیار می‌باشد.

آیت الله بهجت، بی تا، ص ۴۲۵، آیت الله فاضل لنکرانی [روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۰۶/۱۵]

آیت الله خامنه‌ای؛ [خوبی، ج ۶، ص ۷۸، خامنه‌ای، ج ۱] و امام خمینی (ره) [همو، ص ۱۳] یکی از علائم سن بلوغ را در دختر کامل شدن ۹ سال می‌دانند و برای پسران اتمام ۱۵ سال.

### تحلیل و جمع‌بندی:

به نظر می‌رسد بلوغ حالت جدیدی از تحولات جسمانی است که در آن حد، منی در بدن تولید می‌شود و با این وضعیت دختر و پسر از حالت خردسالی فاصله گرفته و می‌توانند تولید نسل داشته باشند و تشکیل خانواده دهند و مقارن استعداد بدن برای نزدیکی، تغییراتی در بدن ایجاد می‌شود مثل کلفت شدن صدا و رشد موهای خشن در زیر شکم و در همین حالات، وضعیت روحی نوجوان نیز متحول می‌شود. این مرحله جدید جسمی، مبدأ و آغاز ورود در زمره مکلفان و مخاطبان خطاب الهی خواهد بود.

### پدیده بلوغ از دیدگاه روان‌شناختی

هنگامی که انسان به مرحله بلوغ می‌رسد دگرگونی‌هایی در اندام و احساسات آدمی پدید می‌آید و در همه جوامع این حالت را آغاز ورود به صحنه مسئولیت و احکام می‌دانند. در این مرحله، گزینه جنسی شروع به فعالیت می‌نماید و قدرت تولید مثل آغاز و صدا درشت می‌شود. در ذیل به برخی اظهار نظرات روان‌شناسان خواهیم پرداخت.

«نقطه زمانی پیدایش گزینه جنسی را در کودک، شروع بلوغ می‌گویند. این دوره منشأ تغییرات زیادی در وجود شخص

شمرده اند، جوهری میگوید: حلم چیزی است که آدمی در خواب مبیند: هوما براه النائم [الصحاح، ج 5، ص 1903] الاحتلام: هو الجماع فی النوم. [تاج العروس، ج 8، ص 355]. هر چند درباره برخی جزئیات و شرایط آن گاه اختلاف نظر دارند، برای مثال در فقه امامی و شافعی این علامت باید در سنی حاصل شود که عادتاً ممکن باشد همچنین معدودی از فقهای عامه و شیعه درباره نشانه بودن احتلام برای بلوغ دختر تردید کرده اند در هر حال، احتلام تنها نشانه بلوغ است که در قرآن به وضوح ذکر شده است آنچه از نظر فقهی ملاک بلوغ محسوب می گردد، تکون و پیدایش منی در آدمی است و این حالت علامت بلوغ است نه خروج منی از بدن، لذا در تعبیر صاحب جواهر: «تکون المنی فی البدن» [المغنی، ج 4، ص 29] آمده است اما چون معمولاً پس از خروج منی، علم به وجود منی حاصل می شود، ملاک؛ خروج منی ذکر شده است.

### پیدایش منی یا خروج منی؟

آنچه از نظر فقهی ملاک بلوغ محسوب می گردد، تکون و پیدایش منی در آدمی است و این حالت علامت بلوغ است نه خروج منی از بدن، لذا در تعبیر صاحب جواهر: «تکون المنی فی البدن» [15] آمده است اما چون معمولاً پس از خروج منی، علم به وجود منی حاصل می شود، ملاک؛ خروج منی ذکر شده است بنابراین چنانچه کسی احساس کند در آلت او منی وجود دارد و به هر دلیلی خارج نشود و یا از خروج آن جلوگیری کند می توان به بلوغ او حکم کرد.

شیخ طوسی در تفسیر بلوغ نکاح می گوید: «معنای بلوغ نکاح، رسیدن به سنی است که به مرحله توانایی بر هم خوابگی و نعوظ و انزال برسد. احتلام فعلی منظور نیست». [16]

از این رو برخی فقهای شافعی گفته اند: ملاک احتلام چیزی است که موجب غسل می شود لکن ذکر کرده اند که اگر آدمی احساس کند در آلت او منی وجود دارد ولی مانع خروج آن شود حکم به بلوغ او می شود چون انزال صورت گرفته هر چند غسلی بر او واجب نشده است.

ولی ابن حجر هیثمی معتقد است که در چنین حالتی نه بلوغ حاصل شده و نه غسل بر او واجب است.

زیرا پیش از خروج، علم به منی بودن حاصل نمی شود زیرا در اکثر اوقات در مورد آب هایی که احساس نزول می شود ولی برمی گردند، اشتباه رخ می دهد که منی است یا آب دیگری. [18]

### ۱،۲. احتلام اختصاصی است یا مشترک؟

آیا خروج منی که علامت بلوغ برشمرده شده اختصاص به مردان داشته و زنان محتمل نمی شوند و منی ندارند و یا آنکه احتلام و خروج منی میان مردان و زنان مشترک است؟ از میان فقهای شیعه، ابن حمزه در «الوسیله» احتلام را ویژه پسران دانسته است [19] ولی اکثر فقهای شیعه آن را تعمیم داده اند مانند ابن ادریس حلی، [20] محقق حلی، [21] یحیی بن سعید حلی، [22] علامه حلی، [23] صاحب جواهر. [24]

فقهای اهل سنت اکثراً معتقد به احتلام زن می باشند ولی شافعیه به عدم احتلام زن رأی داده است و از سوی دیگر روایات متعددی تصریح به احتلام برای زن می کند. [25]

عایشه می گوید زنی از رسول خدا (ص) سؤال کرد:

«هل تغتسل المرأة إذا احتلمت أو بصرت الماء؟ فقال: نعم. فقالت لها عائشة: تربتیدا کوألت! قالت: فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: دعيتها، وهي كونا لسبها لا من قبل ذلك؛ إذا علمت ماء المرأة جلأشبه الولد أحوالها إذا علمت الماء الرجال ماء أشبه أعمامه». [26]

برخی فقهای شیعه هم تصریح کرده اند که احتلام به پسران اختصاص نداشته و دختران نیز محتمل می شوند. [27]، [28]

### ۱،۳. کیفیت حصول احتلام زن

در مورد کیفیت احتلام زن، فقها سه دیدگاه دارند:

دیدگاه اول: احتلام زن به مجرد وصول منی به ظاهر فرج حاصل می شود. حنابله و احناف و شافعیه در خصوص زن غیرباکره چنین عقیده ای دارند.



دلیل این فرق گذاشتن را چنین گفته‌اند که مسلمان متهم است به اینکه برای دستیابی به برخی امتیازات بهوسیله دارو یا معالجه در حصول انبات تعجیل می‌کند مثل رفع حجر از مسلمان یا تصدی ولایات، ولی کافر به چنین چیزی متهم نیست چرا که انبات به ضرر او تمام می‌شود مثل اینکه از او جزیه دریافت می‌شود و یا کشته می‌شود.

جلال محلی از فقهای شافعی می‌نویسد: «و دفع قیاس المسلم ای قیاسه علی الکافر فی هذه المسئله بانه ربما استعجل نبات الفاته بالمعالجه دفعاً للحجر و تشوّفاً للولایات بخلاف الکافر فانه یفضی به الی القتل او ضرب الجزیه».[۳۳]

**قول سوم:** انبات، علامت و ضابطه بلوغ در حقوق‌الله نیست اما در حقوق‌الناس ضابطه محسوب می‌شود.

بنابراین قول، انبات در مورد نماز و روزه و حج و... علامت بلوغ نیست اما در مورد طلاق، قصاص و ازدواج و بیع و شراء علامت محسوب می‌شود. [۳۴] [۳۵]

**قول چهارم:** انبات، مطلقاً علامت و ضابطه بلوغ نمی‌باشد نه در حق مسلمان و نه در حق کافر و نه در مورد حق‌الناس و نه در مورد حق‌الله. این قول حنفیه و غیر از ابویوسف می‌باشد.

دلیل این قول آن است که موی عانت با موی سایر بدن انسان تفاوتی نمی‌کند بلکه امام شلبی از علمای حنفی گفته است که بهتر است که موی عانت علامت بلوغ نباشد زیرا علم به آن با محظور و حرامی همراه است برخلاف موی سبیل و ریش.

شلبی می‌گویند: «اما انبات العانه لایدل علی البلوغ خلافاً للشافعی لانه نبات شعر من بدن الانسان فلا یستدل به علی البلوغ کاللحیه بل اولی لانه یمکن ان یتوصل باللحیه الی معرفه البلوغ من غیر ارتکاب محظور بخلاف العانه فانه اما ان ینظر لیها او تمسّ فاذا لم تکن اللحیه دلیل البلوغ فالعانه اولی».[۳۶]

### ۳. حیض

حیض یکی از علائم اختصاصی بلوغ دختران است و در صورتی که زنی خون حیض ببیند، کاشف از آنست که قبل از آن بالغ شده است. حیض در لغت مصدر فعل حاض می‌باشد.[۳۷]

حیضه مرّه واحد از حیض است. میرد می‌گوید: «سمی الحیض حیضاً من قولهم حاض السیل اذا فاض».[۳۸]

دیدگاه دوم: احتلام زن به خروج منی از فرج و عبورش از فرج حاصل می‌گردد. این رأی مربوط به مالکیه و شافعیه در خصوص زن باکره است.

دیدگاه سوم: احتلام زن به مجرد انزال حاصل می‌شود ولو منی از ظاهر فرج یا خود فرج خارج نشود و این رأی محمدبن حسن شیبانی از فقهای حنفی است.[۲۹]

### ۲- انبات

نشانه دیگر بلوغ، انبات یعنی بر آمدن موی خشن بر شرمگاه (موی زهار) است. «انبت الله النبات انباتا و الانبات فی الغلام او الجاریه یعنی ظهور شعر العانه و استنباته»[لسان العرب، ج 6، ص 41318] «نبت ثدی الجاریه نبوتاً ای ظهر و نه».[القاموس المحيط، ج 1، ص 158]

فقهای شیعه و اهل سنت، جز حنفیان، به استناد احادیث متعدد بدان قایل اند. برخی فقها، از جمله شافعی، در یکی از دو نظر خود، این نشانه را خاصّ مشرکان دانسته‌اند، ولی این نظر در فقه شیعه و نیز نزد بیشتر فقهای عامه پذیرفته نشده است.

رویدن موی زهر بر شرمگاه بخودی خود: یعنی به مقتضای طبیعتش، بدون اینکه بتوان آنرا چاره کرد پس اگر موی سبک و ناچیز باشد مشمول این عنوان نیست. [کاشف الغطاء، ج 1، ص 260]

**امام شیرازی** از فقهای شافعی می‌گوید: «الشعر الخشن الذی ینبت علی العانه».[صحیح المسلم، ج 1، ص 251]

### دیدگاه های فقه شیعه و سنی در مورد انبات

فقهای اسلام در مورد علامت بودن انبات، اختلاف نظر دارند چه در مورد احکامی که بر آن مترتب می‌شود و چه در مورد کافر بودن یا مسلمان بودن. در این زمینه چهار دیدگاه وجود دارد:

**قول اول:** انبات مطلقاً علامت بلوغ به شمار می‌رود، این علامت در مورد همه احکام و همه اصناف مردم تفاوتی نمی‌کند. این دیدگاه قول شیعه امامیه، حنابله و یکی از دو قول مالکیه و ابن حزم ظاهری است. [۳۰]. [۳۱]

**قول دوم:** انبات فقط علامت بلوغ برای کفار است و نه مسلمین و کسی که اسلامش مجهول باشد نیز ملحق به کفار خواهد بود. این قول راجح شافعیه است. [۳۲]

### ۳,۱. تعریف اصطلاحی از فقهای اهل سنت:

حصکفی از علمای حنفی می‌نویسد: «دم من رحم لا لولاده» [۳۹]

ابن عرفه از علمای مالکی می‌گوید: «دم یلقیه رحم معتاد حملها دون ولاده» [۴۰]

شیخ الاسلام زکریای انصاری از علمای شافعی می‌نویسد: «دم جبّله یخرج من اقصى رحم المرأه فی اوقات مخصوصه» [۴۱]

### ۳,۲. تعریف اصطلاحی از فقهای شیعه:

شیخ مفید: «الحائض هی التی تری الدم الغلیظ الاحمر الخارج منها بحراره» [۴۲]

علامه حلی: «الحیض دم یقذفه الرحم اذا بلغت المرأه ثم تعتادها فی اوقات معلومه غالباً لحکمه تربیه الولد فاذا حملت صرف الله تعالی ذلك الدم الی تغذیته...» [۴۳]

شهید اول: «و هو الدم الاسود او الاحمر الخارج من الرحم بحراره و حرقة غالباً» [۴۴]

محقق حلی: «فالحیض هو الدم الذی له تعلق بانقضاء العده و لقلیله حد و فی الاغلب، یكون اسود غلیظاً حاراً یخرج بحرقة» [۴۵]

### ۳,۳. مستند فقهی علامت بودن حیض:

#### ۳,۳,۱. روایات شیعه:

«عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) انه قال: علی الصبی اذا احتلم الصیام و علی الجاریه اذا حاضت الصیام و الخمار» [۴۶]

«محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) انه قال: لا یصلح للجاریه اذا حاضت الا ان تختمر الا ان لاتجده» [۴۷]

#### ۳,۳,۲. روایات اهل سنت:

«عن عائشه ان اسماء بنت ابی بکر دخلت علی النبی و علیها ثیاب رقاق فاعرض عنها و قال: ان المرأه اذا بلغت المحیض لا یصلح ان یری منها الا هذا و اشار الی الوجه و الکفین» [۴۸]

«روی ان رسول الله (ص) قال: لا یقبل الله صلاه حائض الا بخمار» [۴۹]

#### ۳,۳,۳. اجماع:

فقهای شیعه و سنی اجماع دارند که حیض ضابطه و علامت بلوغ می‌باشد. ابن منذر می‌گوید: «و أجمعوا علی ان الفرائض و

الاحکام تجب علی المحتلم العاقل و علی المرأه بظهور الحیض منها» [۵۰]

#### ۴. حمل

حمل نیز یکی از علائم قطعی و مسلم بلوغ در دختران می‌باشد و این مسئله مورد اجماع شیعه و سنی است [۵۱]

البته روشن است حمل در صورتی علامت بلوغ محسوب می‌گردد که پیش از آن، بهوسیله احتلام، حیض یا سن، بلوغ او معلوم نشده باشد.

محقق حلی در این زمینه می‌گوید: «اما الحمل و الحیض فلیسا بلوغاً فی حق النساء، بل قد یكونان دلیلاً علی سبق البلوغ» [۵۲]

کاشف الغطاء در مورد حمل می‌نویسد: «اجبال المرأه من مائه بالوطء او بغیره و هذه علامه منفصله، لانه مسبوق بخروج المنی و دخوله فی الرحم و انعقاده» [۵۳]

ابن قدامه در مورد حمل می‌گوید: «و اما الحمل فهو علم علی البلوغ لان الله تعالی أجرى العاده ان الولد لا یخلق الا من ماء الرجل و ماء المرأه قال الله تعالی: "فلینظر الانسان ممّن خلق، خلق من ماء دافق یرخرج من بین الصلب و الترائب" [۵۴] و اخبر النبی بذلک فی الاحادیث فمتی حملت حکم ببلوغها فی الوقت الذی حملت فیه» [۵۵]

#### سن خاص

نشانه دیگر بلوغ در فقه، رسیدن فرد به سن معینی است که به استناد احادیث معلوم شده است. به موجب این احادیث، هر گاه تا رسیدن فرد به سن مزبور هیچیک از دیگر امارات شرعی بلوغ تحقیق نیافته باشد، سن یاد شده زمان بلوغ فرد محسوب خواهد شد.

از دیدگاه اهل سنت این دو قول وجود دارد: داود ظاهری، احمد بن حنبل و مالک و ابن قیّم طرفدار دیدگاه کاشف و طبیعی بودن بلوغ می‌باشند. [المغنی، ج ۴، ص ۲۹۸] و دلیل آنها روایت نبوی است که فرمود: «رفع القلم عن ثلاث: ... وعن الصبی حتی یحتلم...» پیامبر طبق این روایت غایت رفع تکلیف از صبی را احتلام قرار داده بنابراین اثبات تکلیف به غیر احتلام خلاف این روایت خواهد بود. [المغنی، ج ۴، ص ۲۹]

## ۳- حیض

حیض یکی از علائم اختصاصی بلوغ دختران است و در صورتی که زنی خون حیض ببیند، به معنی آنست که قبل از آن بالغ شده است. فقهای شیعه و سنی اجماع دارند که حیض ضابطه و علامت بلوغ می باشد.

## سخنانی از فقهای اهل سنت در مورد حیض:

**ابن عرفه** که از علمای مالکی است می گوید: «دم یلقیه رحم معتاد حملها دون ولاده». [التاج والاکیل، ج 1، ص 36]

**حصکفی** از علمای حنفی می گوید: «دم من رحم لا لولاده». [الدرالمختار، ج 1، ص 51]

## فقهای شیعه در مورد حیض اینگونه می نویسند:

علامه حلی: «فالحیض هو الدم الذی له تعلق بانقضاء العده و لقليله حد و فی الاغلب، یکون اسود غلیظاً حاراً یخرج بحرقة». [شرايع الاسلام، ج 1، ص 20]

شیخ مفید در این باره می نویسد: «الحائض هی التي تری الدم الغلیظ الاحمر الخارج منها بحراره». [المقنعه، ص 54]

## ۴- حمل

حمل نیز یکی از علائم قطعی و مسلم بلوغ در دختران می باشد و این مسأله مورد اجماع فقهای شیعه و سنی می باشد. البته روشن است حمل در صورتی علامت بلوغ محسوب می گردد که پیش از آن بوسیله احتلام، حیض یا سن بلوغ او معلوم نشده باشد. [القرآن، ج 5، ص 35]

کاشف الغطاء در مورد حمل می گوید: «احبال المرأة من مائه بالوطء او بغیره و هذه علامه منفصله، لانه مسبوق بخروج المنی و دخوله فی الرحم و انعقاده». [کشف الغطاء، ج 1، ص 254]

محقق حلی در این زمینه می گوید: «اما الحمل و الیحص فلیسا بلوغاً فی حق النساء، بل قد یکونان دلیلاً علی سبق البلوغ». [۵۲]

## ۵- سن بلوغ

## سن بلوغ

علائمی که تاکنون مورد بحث قرار گرفت، علائم طبیعی بود که در مرد یا زن وجود دارد اما مشکلی که وجود دارد این است که ظهور این علائم در همه افراد یکسان نیست مثلاً احتلام یا حیض نسبت به مناطق گرمسیری یا سردسیری متفاوت است در این

صورت احکامی که مترتب بر آنها می شود دچار سردرگمی و ابهام می گردد، از این رو معیار کمی مشخصی به نام سن، ابهام و تردید را برطرف می نماید و در روایات متعددی از شیعه و سنی، سن مشخصی را برای دختر یا پسر در نظر گرفته اند، اما قبل از بررسی فقهی مسئله سن بلوغ، یک مسئله را می بایست به عنوان مقدمه مطرح کرد که آیا سن اماره تبعیدی است یا طبیعی؟

## ۱، ۵. آیا سن، اماره تبعیدی بلوغ است یا کاشف طبیعی؟

چنانچه سن، اماره تبعیدی باشد مقصود آن است که با گذشت سالیان معینی، دختر یا پسر بالغ می شود چه محتمل شده یا نشده باشد، چه موهای خشن در او روئیده شده یا نه و یا دختر عادت ماهیانه شده یا نه؟

به محض اتمام سن نه سالگی (طبق قول مشهور) در دختران و اتمام سن پانزده سالگی (طبق قول مشهور) در پسران قطعاً بلوغ حاصل می شود.

اما طبق دیدگاه کاشف، طبیعی آن است که سن موضوعیت ندارد بلکه طریقت به بلوغ داشته و یک علامت طبیعی برای کشف بلوغ در دختر و پسر می باشد بنابراین ممکن است دختر یا پسر به سن معینی برسند اما هنوز بالغ نشده باشند و یا پیش از رسیدن به سن خاص، بلوغ آنها فرارسیده باشد.

از دیدگاه اهل سنت این دو قول وجود دارد: داود ظاهری، احمد بن حنبل و مالک و ابن قیم طرفدار دیدگاه کاشف و طبیعی بودن بلوغ می باشند. [۵۶]

می گویند پیامبر طبق این روایت غایت رفع تکلیف از صبی را احتلام قرار داده بنابراین اثبات تکلیف به غیر احتلام خلاف این روایت خواهد بود. [۵۷]

و برخی روایاتی که ناظر به سن بوده را حمل بر اراده بر قدرت و طاقت بر قتال کرده اند و نه بلوغ، مقصود روایت عبدالله بن عمر در مورد قتال روز احد است. [۵۸]

جمهور فقهای اهل سنت معتقدند که شرع، سن معینی را برای بلوغ معین نموده و نمی توان از آن صرف نظر کرد. هر چند در مورد سن بلوغ دختر و پسر با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

اما فقهای شیعه هم بسیاری به صورت مشخص به این بحث نپرداخته‌اند ولی اکثریت فقها معتقدند که سن اماره تعبدی است و لو علائم دیگر بلوغ حاصل نشده باشد ولی دختر یا پسر به سن خاص برسد حکم به بلوغ آنان می‌شود و احکام و مسئولیت‌های دینی برای او الزامی می‌شود. در ذیل به برخی از کلمات این فقها اشاره می‌شود.

محمدحسن نجفی: «فان البلوغ من الامور الطبيعیه المعروفه فی اللغه و العرف و لیس من الموضوعات الشرعیه التي لاتعلم الا من جهة الشرع كالفاظ العبادات».[۵۹]

بلوغ، مانند عبادات امری شرعی نیست بلکه پدیده‌ای طبیعی است که باید از راه لغت و عرف آن را شناخت.

مهدی مهریزی: «سن خاص اماره شرعی برای بلوغ دختران نیست. معیار در بلوغ آنان، قاعدگی است».[۶۰]

بنابراین نه سالگی نمی‌تواند اماره طبیعی باشد زیرا در اماره طبیعی، دائمی یا غالبی بودن لازم است و هیچ یک از این دو وصف در اینجا نیست.

سیدمحمدجواد غروی اصفهانی: «باید دانست که بلوغ از موضوعات و یک امر طبیعی است و وظیفه شارع نیست که موضوع را تعیین کند، چنانکه شأن و وظیفه فقیه هم نیست و اینکه شارع احتلام و حیض را دلیل بلوغ شناخته یک مسئله طبیعی را بیان کرده و نشانه طبیعی آن را بیان کرده است بنابراین تعیین آن به عدد سال، خارج از قانون طبیعت است».[۶۱]

سیدمحمد موسوی بجنوردی: «هیچ وقتی نمی‌توان با تعیین عمر امر تکوینی را بیان کرد، بلکه چیزی که هویتش تکوینی است، باید اماره تکوینی مبین آن باشد. عادات ماهانه و دیدن خون امری تکوینی است. پس بلوغ امر تکوینی است، رشد جسمی و جنسی امری تکوینی است و اماره‌اش هم باید امر تکوینی باشد که همان عادت ماهانه است».[۶۲]

اما اکثریت فقهای شیعه بلوغ را علامت شرعی و تعبدی دانسته‌اند که تجاوز از آن را جایز ندانسته‌اند.

شیخ محمدحسین کاشف الغطاء در این رابطه می‌نویسد:

«و اما البلوغ يعرف بعلامات بعضها طبیعیه و ذاتیه و بعضها جعلیه شرعیه اما الطبيعيه فهی الاحتلام فی الذکر بل و فی الاثنی ان

تحقق فهو علامه لها ایضاً و کذا الانبات ای نبات الشعر علی العانه و الحيض فی الاناث و الحبل و هی علامه مسبوقة غالباً بالحيض كما ان الحيض مسبق بالانبات غالباً و اما الشرعیه فهی اکمال الخمسه عشر فی الذکور و التسع فی الاناث و کلها علامات شیء واحد و هو النضج و الکمال و بلوغ حد الرجولیه التي اثرها التوالد و التناسل و صلاحیه الرجل فعلاً للاحبال و الاثنی ان تحبل و تلک کاشف عن تلک الحقیقه و المرتبه ولکن لو کمل الکمر خمسہ عشر حکم علیه بالبلوغ شرعاً بلغ تلک المرتبه ام لا و کذا الاثنی بالتسع

بلوغ با علاماتی شناخته می‌شود که بعضی از آن‌ها طبیعی و ذاتی و بعضی از آن‌ها قراردادی و شرعی است. علامات طبیعی بلوغ، احتلام در پسر، بلکه در دختر است (اگر بتواند محقق شود) همچنین روئیدن موی زهار در پسر و دختر و حیض و آبستن شدن در دختران. اما علائم شرعی رسیدن به پانزده سالگی در پسران و نهسالگی در دختران است و همه آن‌ها نشانه‌های امر واحدی هستند که عبارت است از پختگیو کمال و رسیدن به حد مردانگی که اثر آن توالد و تناسل است و تمامی آن‌ها کاشف از چنین حقیقتی می‌باشند ولی اگر پسر به پانزده سالگی برسد حکم به بلوغ وی می‌گردد، هرچند به آن مرتبه نرسد و همچنین است دختری که به نه سالگی رسیده باشد».[۶۳]

## ۵،۲. دیدگاه‌ها و مستندات اهل سنت پیرامون سن بلوغ

اهل سنت در مورد سن بلوغ در پسران و دختران پنج قول دارند که در ذیل به آن‌ها خواهیم پرداخت:

**قول اول:** دختر و پسر هرگاه به سن پانزده سالگی برسند مکلف شده و احکام بر آن‌ها مترتب می‌شود. شافعیه، حنابله و زیدیه و ابویوسف و محمدبن حسن شیبانی از اصناف و اوزاعی پیروان این قول می‌باشند.

### دلایل آن‌ها:

الف) روایت ابن عمر: «عرضنی رسول الله یوم احد فی القتال و انا ابن اربع عشر سنه فلم یجزنی و عرضنی یوم الخندق و انا ابن خمس عشره سنه فاجزنی».[۶۴]

ب) روایت انس عن النبی (ع): «انه قال: اذا استکمل المولود خمس عشره سنه کتب ماله و ما علیه و اخذت منه الحدود».[۶۵]

**۵,۳,۱. دیدگاه‌های فقهای شیعه و مستندات آنان****۵,۳,۱. سن بلوغ پسران**

در مورد سن بلوغ پسران اختلاف چندانی مشاهده نمی‌شود و قول به پانزده سالگی مشهور میان فقهای شیعه است ولی ابن جنید به چهارده سالگی برای پسران رأی داده است. علامه در مختلف می‌نویسد: «المشهور ان حدّ البلوغ للصبی خمس عشره سنه و قال

ابن الجنید اربع عشره سنه لنا الاصل بقاء الحجر» [۷۳]

محقق اردبیلی در کتاب «الحجر مجمع الفائدة» [۷۴] و فاضل سبزواری در «کفایه الاحکام» کتاب حجر، [۷۵] شیخ یوسف بحرانی، [۷۶] محقق قمی، [۷۷] شیخ انصاری [۷۸] ادعای شهرت در مورد سن بلوغ پسران در پانزده سالگی کرده‌اند.

صاحب جواهر نیز شهرت عظیمه نزدیک بر اجماع برای آن قائل شده است: «و کذا يعلم البلوغ شرعاً ان لم یکن عرفاً بالسّن و هو بلوغ خمس عشره سنه للذکر علی المشهور بین الاصحاب فی المقام شهره عظیمه کادت تکون اجماعاً» [۷۹]

**۵,۳,۲. سن بلوغ دختران**

در مورد بلوغ دختران چند قول وجود دارد:

- نه سالگی (رأی مشهور)
- ده سالگی (شیخ طوسی و ابن حمزه در برخی ابواب فقهی)
- سیزده سالگی (آقای صانعی)
- هر تکلیفی سنی را اقتضاء می‌کند و سن بلوغ در هر تکلیفی فرق می‌کند و روزه در سیزده سالگی واجب می‌شود. (آقای مرعشی) [۸۰]

**مستندات اقوال:**

مستندات قول مشهور:

صحیح یزید کناسی از امام باقر (ع): «قال: لَجَارِيَةٍ إِذْ أَبْلَغْتَسَّعَسِنِينَ ذَهَبْنَهَا الْيَتْمُورُ وَجَوُّ قِيمَتِهَا الْخُدُّ وَذَالْتَامَةُ لَهَا وَعَلَيْهَا» [۸۱] در سند حدیث یزیدی کناسی است که مجلسی آن را از ممدوحین دانسته ولی چون ظاهر او همان یزید ابو خالد قماط کوفی است نجاشی او را توثیق نموده است لذا سند تام و روایت صحیح می‌باشد. [۸۲]

صحیح محمد بن ابی عمیر عن غیر واحد عن ابی عبدالله (ع) «قال: حد بلوغ المرأه تسع سنين» [۸۳] سند و دلالت روایت

روایت اول در خصوص ابن عمر است که پسر است و سرایت آن به دختر جای بحث دارد و روایت دوم نیز تضعیف شده است و بیهقی در سنن کبری و ابن حجر عسقلانی حکم به ضعف آن نموده‌اند. [۶۶]

**قول دوم:** سن بلوغ در پسر هجده سال تمام و در دختر هفده سال تمام می‌باشد، ابوحنیفه به این قول معتقد شده است. [۶۷][۶۸]

و از طرف دیگر پیامبر فرمودند: «رفع القلم عن ثلاث: ... عن الصبی حتی یحتلم...» بنابراین می‌بایست بلوغ کودکان را منوط به احتلام دانست و نباید از آن عدول کرد مگر هنگامی که یقین به عدمش پیدا شود لذا باید بناء را بر عدم تکلیف گذاشت یا تا حصول احتلام و یا یأس از وجود احتلام و این یأس تا هجده سالگی ادامه پیدا می‌کند و از هجده سالگی امید به احتلام وجود دارد و اینکه میان دختر و پسر فرق گذاشته شد به خاطر آن است که دختر زودتر از پسر بالغ می‌شود.

نقد این دلیل آن است که احکام مبتنی بر غالب هستند و غالب افراد در سن پانزده سالگی محتلم می‌شوند و علاوه که تفاوت دختر و پسر در سن بلوغ به چه دلیل فاصله بلوغ آن‌ها را به یک سال تقلیل داده است؟ شاید بیشتر یا کمتر باشد.

**قول سوم:** سن بلوغ دختر و پسر اتمام هجده سال است و این قول مشهور مالکیه است [۶۹] و مستند فقهی آن‌ها همان مستندات قول دوم است و آن اینکه سن یأس از احتلام هجده سالگی در دختر و پسر است.

**قول چهارم:** سن بلوغ در پسر و دختر شانزده سالگی است و این قول خلاف مشهور مذهب مالکیه است.

**قول پنجم:** سن بلوغ در دختر و پسر اتمام نوزده سالگی است. این دیدگاه منسوب به ابوحنیفه در مورد پسر و قول ابن حزم می‌باشد [۷۰] دلیل ابن حزم آن است که وی چون هیچ کدام از ادله قبلی را متقن ندانسته به قولی اعتماد کرده که قدر مشترک میان همه اقوال باشد. ابن حزم می‌گوید: «و اما استكمال التسعه عشر عاماً فأجماع متیقن...» [۷۱] «فلاشک فی انّ من اکمل تسع عشره سنه و دخل فی عشرین سنه فقد فارق الصبا و لحق بالرجال و لا یختلف اثنان من اهل کل مله و بلده فی ذلک» [۷۲]

چند اشکال به این روایت وارد شده است یکی آنکه سند روایت ضعیف است، دیگر آنکه این روایت با روایت متواتر یا مستفیض در مورد جواز دخول به جاریه در نه سالگی تعارض می کند.

### مستند قول سیزده سالگی:

عن عمار الساباطی عن ابی عبدالله (ع) قال: «سألته عن الغلام متى تجب علیه الصلوة؟ فقال: اذا اتی علیه ثلاث عشرة سنة. فان احتلم قبل ذلك فقد وجبت علیه الصلاه و جرى علیه العلم و الجاریه مثل ذلك ان اتی لها ثلاث عشرة سنة او حاضت قبل ذلك فقد وجبت علیها الصلاه و جرى علیها العلم» [۸۸]

روایت موثقه می باشد و مرحوم مجلسی در «ملاذ الاخبار» آن را موثقه دانسته است. مفاد این حدیث آن است که دختر و پسر در سیزده سالگی بالغ می شوند ولی در صورتی که پسر قبل از این سن محتلم شود و یا دختر حیض شود هر دو به بلوغ رسیده اند و در این صورت سن معتبر نخواهد بود.

به استدلال به این حدیث چند اشکال وارد شده است:

عمار ساباطی در فقه، روایات شاذی دارد و آیت الله خوئی او را کثیرالخطاء والاشتباه دانسته که اخبارش در لفظ و معنی مضطرب است.

مشهور از روایات عمار بهیژه این روایت اعراض کرده اند و اعراض مشهور از روایتی دلیل بر ضعف و نامعتبر بودن آن است.

### مستند قول به تفصیل:

برخی فقها معتقدند که بلوغ در همه احکام و عبادات وضعیت یکسانی ندارند در برخی اعمال مثل روزه، سیزده سالگی معتبر است و در باب وصیت و عتق، ده سالگی و در باب حدود، نه سالگی معتبر است.

فیض کاشانی در این باره می گوید: «و التوفیق بین الاخبار یقتضی اختلاف معنی البلوغ بحسب السن بالاضافه الی انواع التکالیف كما یظهر ماروی فی باب الصیام انه لا یجب علی الانثی قبل اکمالها الثلاث عشر سنة الا اذا حاضت قبل ذلك و ما روی فی باب الحدود ان الانثی تؤخذ بها و هی تؤخذ لها اذ اتمت تسع سنین الی غیر ذلك مما ورد فی الوصیه و العتق و نحوهما انها تصح من ذی العشر» [۸۹]

### جمع بندی

مشکلی ندارد و اینکه مروی عنه ابی عمیر معلوم نیست خدشهای به سند روایت وارد نمی کند زیرا اصحاب این گونه اسناد را معتبر می دانند.

مرسله صدوق قال: «قال ابو عبدالله (ع) اذا بلغت الجاریه تسع سنین دفع الیها مالها و جاز امرها فی مالها و اقیمت الحدود التامه لها و علیها» [۸۴]

مرسلات صدوق به دو گونه اند: گاهی صدوق از افراد نامعلومی روایت نقل می کند چون مشخص نیست که راوی آن چه کسی است حدیث از اعتبار سندی ساقط می شود ولی گاهی صدوق مستقیماً حدیث را به یکی از معصومین نسبت می دهد و با توجه به جلالت قدر و شدت تقوا و احتیاط صدوق معلوم می شود که وی به انتساب حدیث به معصوم یقین و علم داشته و الا چنین نسبتی نمی داد به هر حال این قرینه مرسله صدوق را در حد اعتماد به محمد بن ابی عمیر قرار داده و آن را معتبر می نماید.

«محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد جمیعاً عن ابن ابی عمیر عن حماد عن الحلبی عن ابی عبدالله (ع) قال: اذا تروج الرجل الجاریه و هی صغیره فلا یدخل بها حتی یأتی لها تسع سنین» [۸۵]

سند و دلالت حدیث بر مطلب تمام است و سند صحیح بوده و دلالت آن بر بلوغ دختر در نه سالگی واضح و روشن است.

صحیح حلی که صدوق به اسنادش از حماد از حلبی نقل کرده که امام صادق (ع) فرمودند: «ان من دخل بامرأه قبل ان تبلغ تسع سنین فاصابها عیب فهو ضامن» [۸۶]

این گونه روایات که عدد آنها به هفده روایت می رسد هم بسیار زیاد هستند و بعید نیست که بتوان در مورد آنها ادعای تواتر معنوی کرد و چنانچه نتوان ادعای تواتر کرد خبر واحدی است که بسیاری از آنها صحیح و موثق بوده بنابراین خبر محفوف به قرینه و در حد استفاضه می باشد.

### مستند قول ده سال:

روایت غیاث بن ابراهیم عن الصادق (ع): «ان امیرالمؤمنین قال: لا توطئ جاریه لا قل من عشر سنین قال فان فعل فعیبت ضمن» [۸۷]

به نظر می‌رسد روایات نه سالگی در حد استفاضه بوده که در میان آن‌ها صحیح و موثق وجود دارد و قابل اعتماد است ولی روایات ده سالگی که سندش ضعیف است و دلالتش هم بر مطلب واضح نیست و اما روایات سیزده سالگی که هرچند برخی از آن‌ها موثقه هستند ولی مشهور از آن‌ها اعراض نموده است و روایات نه سالگی به احتیاط نزدیک‌تر است، نهایتاً اگر دختر نه ساله در سالیانی که روزه گرفتن در ماه‌های گرم و تابستان قرار می‌گیرد و روزه گرفتن برای او طاقت‌فرسا باشد روزه بر او واجب نیست و در بزرگ‌سالیان‌ها را قضا نماید.

### لزوم رشد در ازدواج

آیا صرف رسیدن به بلوغ جنسی برای ازدواج فرد کافی است؟ آیا در این سن دختران قادر به قبول مسئولیت هستند و به بلوغ روانی و عاطفی برای ازدواج رسیده‌اند؟ آیا در صورت بروز حمل در چنین سنی او توان لازم را دارد و بارداری در این سن آسیبی به او وارد نمی‌کند؟ مسلماً بلوغ جنسی شرط لازم برای ازدواج است، ولی کافی نیست. شرط اساسی دیگر، رسیدن فرد به رشد است. حال سؤال این است که رشد چیست؟ به نظر می‌رسد مفهوم رشد چیزی جز درک نباشد و درک مورد نظر بر اساس مصادیق مختلف، متفاوت خواهد بود. زیرا درک لازم برای یک امر مالی با عقده‌مهمی همچون ازدواج قطعاً در یک سطح نیست. سن رشد در موارد: «چنانکه در کتاب «الموسوعه الفقهیه المیسره، ص 112» آمده است سن رشد در موارد مختلفی چون خرید و فروش و نکاح تفاوت دارد، پس رشدی که در بیع مورد نیاز است، با رشدی که برای مسئولیت کیفری باید باشد و رشدی که برای نکاح لازم است، متفاوت است. از این رو چه بسا فرد به رشد مدنی رسیده باشد، ولی برای ازدواج رشید نباشد. [از حیلی، ج ۷، ص ۷4۷]

### جمع بندی:

1. بلوغ یک امر طبیعی و تکوینی است و نمی‌توان سن خاصی را به عنوان اماره بلوغ در نظر گرفت.
2. در قرآن کریم تنها به نشانه‌های بلوغ اشاره شده که در عرف علامت بلوغ دانسته شده و سن مشخصی را به عنوان سن بلوغ ذکر ننموده است.
3. اکثر فقهای شیعه سن بلوغ را در دختران 9 سال و در پسران 15 سال دانسته‌اند.
4. حداقل سنی که فقهای اهل سنت به عنوان بلوغ ذکر کرده‌اند 15 سالگی است، در صورتی که فرد قبل از آن حیض یا محتلم نشده باشد.
5. بلوغ به معنای کامل شدن و رسیدن به پایان مقصد می‌باشد و آغاز مرحله‌های طبیعی و جدید در زندگی فرد شمرده شده است که به دگرگونی‌های جسمی و روانی در فرد منجر می‌شود.
6. از آنجایی که بلوغ نقطه آغاز شمول تکالیف و بسیاری از حقوق و احکام شرعی نسبت به هر فرد مسلمان شمرده می‌شود در فقه و حقوق اسلامی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.
7. به اعتقاد فقهای شیعه بلوغ اولین مراتب صدق مردانگی در جنس مذکر و اولین مراتب صدق زن بودن در جنس مؤنث به شمار می‌آید.
8. پنج نشانه اصلی بلوغ از دیدگاه فقها «احتلام، انبات، سن خاص، حیض، حمل» هستند که از بین آنها «احتلام، انبات و سن خاص» بین مرد و زن مشترک است.
9. تنها رسیدن به سن بلوغ برای ازدواج کافی نیست و در کنار بلوغ، «رشد» نیز باید اتفاق بیفتد.
10. هر چه زمان بلوغ دیرتر اتفاق بیفتد، غضروف رشد، دیرتر بسته می‌شود.

11. بلوغ زودرس دو جزء دارد: محیطی و مرکزی
  12. به اجماع فقهای شیعه و سنی حیض، ضابطه و علامت بلوغ می باشد.
  13. بلوغ مرز بین کودکی و نوجوانی را مشخص می کند. به تعبیری سن کودکی از ولادت تا بلوغ است.
  14. یکی از علائم قطعی و مسلم بلوغ در دختران حمل می باشد.
  15. تمامی فقها احتلام (انزال) را، چه در خواب چه در بیداری، نشانه (اماره) بلوغ شمرده اند.
  16. به طور متوسط دختران از پسران زودتر به بلوغ می رسند.
- منابع و مآخذ:**
- [۱] اتکینسون، ریتا و دیگران؛ زمینه روان شناسی، ترجمه محمدنقی براهنی و دیگران، تهران، رشد، ۱۳۷۷، چاپ دوازدهم، جلد ۱، ص ۱۷۰.
  - [۲] عطاری کرمانی، عباس؛ این گونه فرزندان را تربیت کنید، تهران، آسیم، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۲۶۸.
  - [۳] زمینه روان شناسی، جلد ۱، ص ۱۷۱.
  - [۴] پارسا، محمد؛ روان شناسی رشد کودک و نوجوان، تهران، بعثت، ۱۳۷۸، چاپ سیزدهم، ص ۲۲۰.
  - [۵] هنری ماسن، پاول و دیگران؛ رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران، سعدی، ۱۳۷۴، چاپ هشتم، ص ۵۳۸ و ۵۳۹.
  - [۶] زمینه روان شناسی، جلد ۱، ص ۱۷۲.
  - [۷] روان شناسی رشد کودک و نوجوان، ص ۲۲۳.
  - [۸] لطف آبادی، حسین؛ روان شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی، تهران، اسپید، ۱۳۷۹، چاپ اول، جلد ۱، ص ۳۰۱ و ۳۰۲.
  - [۹] این گونه فرزندان را تربیت کنید، ص ۲۸۷.
  - [۱۰] روان شناسی رشد کودک و نوجوان، ص ۲۳۱.
  - [۱۱] روان شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی، ص ۱۲۸ الی ۱۳۰.
  - [۱۲] روان شناسی بلوغ، ص ۱۴.
  - [۱۳] روان شناسی رشد کودک و نوجوان، ص ۲۸.
  - [۱۴] مراحل تربیت، ص ۱۵.
  - [۱۵] جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۲.
  - [۱۶] التبیان، ج ۳، ص ۱۱۶.
  - [۱۷] حاشیه شیخ سلیمان جمل بر شرح المنهج، ج ۳، ص ۳۳۶.
  - [۱۸] تحفه المحتاج، ج ۵، ص ۱۶۴.
  - [۱۹] الجوامع الفقهیه، ص ۷۱۸.
  - [۲۰] السرائر، ج ۱، ص ۳۶۷.
  - [۲۱] شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۹۹.
  - [۲۲] الجامع للشرایع، ص ۳۶۰.
  - [۲۳] تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۷۴.
  - [۲۴] جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۱۵.
  - [۲۵] صحیح بخاری، ج ۱، ص ۷۶، کتاب الغسل؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۳۱۳.
  - [۲۶] صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۵۱.
  - [۲۷] الجامع للشرایع، ص ۱۵۳.
  - [۲۸] السرائر، ج ۱، ص ۲۰۲.
  - [۲۹] ضوابط البلوغ عند الفقهاء، ص ۷-۲۶.
  - [۳۰] سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۴۵.
  - [۳۱] سنن بیهقی، ج ۶، ص ۵۸.
  - [۳۲] المهدب شیرازی، ج ۱، ص ۳۳۰؛ مغنی المحتاج، ج ۲، ص ۱۶۷.
  - [۳۳] شرح المحلی علی المنهاج، ج ۲، ص ۳۰۰.
  - [۳۴] مسند احمد، ص ۱۳۶۹.
  - [۳۵] الصغیر بین اهلیه الوجوب و اهلیه الاداء، ص ۵۲.
  - [۳۶] تجرید الفوائد الدقائق و حاشیه شلبی، ج ۵، ص ۲۰۳.
  - [۳۷] تاج العروس، ج ۵، ص ۲۴ و ۲۵.
  - [۳۸] لسان العرب، ج ۲، ص ۱۰۷۱.
  - [۳۹] الدر المختار، ج ۱، ص ۵۱.
  - [۴۰] التاج و الاکلیل، ج ۱، ص ۳۶۷.
  - [۴۱] فتح الوهاب شرح منهج الطلاب، ج ۱، ص ۲۳۴.
  - [۴۲] المقنعه، ص ۵۴.
  - [۴۳] قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۲۱۲.
  - [۴۴] البیان، ج ۱، ص ۵۷.
  - [۴۵] شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۰.
  - [۴۶] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۷.
  - [۴۷] وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۶۸.
  - [۴۸] سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۸۲.
  - [۴۹] سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۱۵.
  - [۵۰] المغنی، ج ۴، ص ۲۹۷.
  - [۵۱] الجامع لاحکام القرآن، ج ۵، ص ۳۵.
  - [۵۲] شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۱۰۰.
  - [۵۳] کشف الغطاء، ج ۱، ص ۲۵۴.
  - [۵۴] قرآن کریم، سوره طارق، آیات ۷-۵.
  - [۵۵] المغنی، ج ۴، ص ۲۹۷؛ البنایه شرح الهدایه، ج ۸، ص ۲۵۴.
  - [۵۶] المغنی، ج ۴، ص ۲۹۷.
  - [۵۷] صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۳۲.
  - [۵۸] جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۵.



- [۵۹] بلوغ دختران، ص ۱۹۷
- [۶۰] بلوغ دختران، ص ۲۲۰
- [۶۱] بلوغ دختران، ص ۲۵۹
- [۶۲] المهذب، ج ۱، ص ۳۳۰؛ كشف القناع، ج ۳، ص ۴۴۳؛ الانصاف، ج ۵، ص ۳۲۰
- [۶۳] صحيح بخارى، ج ۳، ص ۲۳۲؛ سنن ابى داود، ج ۲، ص ۴۵۳
- [۶۴] سنن كبرى بيهقى، ج ۶، ص ۵۷
- [۶۵] سنن كبرى، ج ۶، ص ۵۷؛ التلخيص الجيز، ج ۱۰، ص ۲۷۸
- [۶۶] فتح الله المعين، ج ۳، ص ۲۹۸؛ البناءه فى شرح الهدايه، ج ۸، ص ۲۵۴
- [۶۷] قرآن كريم، سوره نور، آيه ۵۹
- [۶۸] مواهب الجليل، ج ۵، ص ۵۹
- [۶۹] الحللى، ج ۱، ص ۸۸؛ البناءه فى شرح الهدايه، ج ۸، ص ۲۵۴
- [۷۰] الحللى، ج ۱، ص ۸۹
- [۷۱] الحللى، ج ۱، ص ۹۰
- [۷۲] مختلف الشيعه، ص ۱۴۵ (چاپ سنگى)
- [۷۳] مختلف الفائده و البرهان، ج ۹، ص ۱۸۷
- [۷۴] كفايه الاحكام، ص ۱۱۲ (چاپ سنگى)
- [۷۵] الحدائق الناظره، ج ۱۳، ص ۱۸۱
- [۷۶] الغنائم، ص ۴۳۷
- [۷۷] كتاب الصوم، ص ۲۱۲
- [۷۸] جواهر الكلام، ج ۲۶، ص ۱۶
- [۷۹] بلوغ دختران، ص ۱۵۶
- [۸۰] وسائل الشيعه، ج ۱، ص ۳۱، ب ۴، از ابواب مقدمه العبادات، ح ۳
- [۸۱] تنقيح المقال، ج ۳، ص ۳۲۴
- [۸۲] وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۷۲، ب ۴۵، از ابواب مقدمه نكاح، ح ۱۰
- [۸۳] وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۱۴۳، ب ۲، از ابواب احكام الحجر، ح ۳
- [۸۴] وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۷۰، ب ۴۵، از ابواب مقدمات نكاح، ح ۴
- [۸۵] وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۷۰، ب ۴۵، از ابواب مقدمات نكاح، ح ۵ و ۸
- [۸۶] وسائل الشيعه، ج ۱۴، ب ۴۵، از ابواب مقدمات نكاح، ح ۷
- [۸۷] وسائل الشيعه، ج ۲، ب ۴، از ابواب مقدمه العبادات، ح ۱۲
- [۸۸] مفاتيح الشرايع، ج ۱، ص ۱۴

*Original Article***Evaluation of minimum and maximum age of puberty in terms of medical science**

Received: 30/01/2020 - Accepted: 05/03/2020

Mehrali Rakhshanifar <sup>1</sup>  
 Gholamhasan Delavar <sup>2\*</sup>  
 Amirhamzeh Salarzayi <sup>3</sup>

*1 PhD student in Islamic law and jurisprudence, Islamic jurisprudence and law department of Zahedan branch, Islamic Azad University of Zahedan, Iran*

*2 Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran*

*3 Professor of Islamic jurisprudence and law, Islamic jurisprudence and law department, Sistan and Baluchestan State University, Zahedan, Iran*

Email: drdelavar@yahoo.com

**Abstract**

**Introduction:** The phenomenon of puberty plays an important role in human life, because it is the source of the beginning of assignment and Obligation.

This period of age is one of the most important periods of natural growth and God has determined some assignments for a human at this age. So, because of the importance of this subject the natural and religious signs has been determined for puberty. Signs and symptoms of puberty are different in girls and boys. Of course, some of those symptoms are common between girls and boys, but menstruation and pregnancy are specific signs of puberty in girls. Puberty is a physiological stage in which a person undergoes a leap in height growth, and after puberty is complete, the rate of this leap decreases. Crisis and emotions of this period of life is because of the physical and psychological organism and therefore, as well as communication with peers cause new problems that parents and educators call crisis or incompatibility due to insufficient knowledge of the adolescent. Conflicts over differences of tastes and differences of perceptions between adolescents and others cause anger and rebellion of inexperienced adolescents. Sometimes some adolescents react negatively and complain with high expectations and depression that adults blame them. They do not understand and do not treat them fairly. These teenagers are very sensitive and easily hurt, and that is why they lose their control and lose their so-called anger and fear and things like that.

**Key words:** Puberty, Consumption, Puberty, Age, Growth